

مطالعات حدیثی مقارن در یک صد سال اخیر حوزه علمیه قم
(مطالعه موردی: نسبت سنجی میراث حدیثی اثنا عشری با احادیث اسماعیلیه)

ابوالفضل فتیحی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج)

Afathi6115@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

میراث حدیثی اسماعیلیه، یکی از منابع مهم در عرصه حدیث پژوهی است. هر پژوهشگری برای پژوهش در معارف اسلامی، ناگزیر از آگاهی کامل از این میراث است. میراث حدیثی اسماعیلیه در قرون متمادی، از دید پژوهشگران مخفی مانده بود؛ اما در قرن اخیر، پژوهش در این عرصه، سرعت بیشتری گرفته است. سؤال این است که مهم ترین منابع حدیثی اسماعیلیه کدام اند و در چه عصری تألیف شده اند؟ علم رجال چه جایگاهی در میان محدثان اسماعیلی دارد؟ کتاب الکشف و تفسیر قمی چه رسالتی در معارف اسلامی به ویژه بحث امامت دارند؟ این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی میراث حدیثی اسماعیلی و نسبت آن با میراث حدیثی اثنا عشری پرداخته و سعی دارد نحوه تعامل بین آن دو را با ذکر نمونه هایی نشان دهد. فرض بر این است که مطالعات حدیثی بدون توجه به میراث دیگر فرقه های اسلامی از جمله فرقه اسماعیلیه، در برخی از مباحث، ناقص خواهد بود. مهم ترین یافته های پژوهش عبارت است از: وجود منابع روایی متعدد اسماعیلی، نقل روایات فراوان از اهل بیت توسط میراث اسماعیلی، عدم پابندی اسماعیلیه به دانش رجال، اشتراک

چشمگیر روایات مربوط به اعتقادات در حوزه امامت میان روایات اسماعیلی و اثناعشری به‌ویژه در حوزه روایات تأویلی.

کلیدواژه‌ها: مطالعات حدیثی مقارن، اسماعیلیه، روایات اسماعیلی، قاضی نعمان.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمی قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله تألیف شده است.»

۱. مقدمه

میراث حدیثی اسماعیلیه، یکی از منابع مطالعاتی بسیار گسترده در دانش حدیثی است که سالیان طولانی، مورد غفلت دانش‌پژوهان این حوزه بوده است. در سال‌های اخیر برای نخستین بار رساله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی روایات تأویلی اثناعشری و اسماعیلی ناظر به آیات قرآن کریم با تأکید بر روایات ولایت» تدوین شد و مقالات «تأویل در روایات اسماعیلی»، «بررسی تطبیقی روایات تأویلی اثناعشری و اسماعیلی ناظر به آیات توحیدی قرآن» و «ضرورت و مشروعیت تأویل در کلام اسماعیلیه» با تمرکز به میراث کلامی - حدیثی اسماعیلیه از آن منتشر شد.

کتاب فهرسة الكتب و الرسائل و لمن هی من العلماء و الأئمة و الحدود و الأفاضل اثر اسماعیل بن عبد الرسول الاجینی مجدوع، یکی از اسماعیلیان طیبی در قرن دوازدهم، مجموعه‌ای از منابع اسماعیلی را نخستین بار معرفی کرده است. وی در این کتاب به معرفی توصیفی مجموعه‌ای از منابع حدیثی، فقهی، تاریخی، ادبی و کلامی اسماعیلی پرداخته است. همچنین ولادیمیر ایوانف، یکی از پژوهشگرانی است که در عرصه مطالعات اسماعیلیه فهرست آثار اسماعیلیه را منتشر کرد و نیز آصف فیضی، حسین همدانی و زاهد علی توانستند منابع کهن اسماعیلی را معرفی کنند. با این وجود، هنوز برخی از پژوهشگران در اسماعیلی بودن قاضی نعمان تردید دارند (جوان آراسته، ۱۳۸۴ش: ۳۱۰ - ۳۵۵) که یکی از زمینه‌های تردید در مذهب وی عدم شناخت آثار ایشان است. سؤال این است که: مهم‌ترین منابع حدیثی اسماعیلیه کدام‌اند و در چه عصری تألیف شده‌اند؟ علم رجال چه جایگاهی در میان محدثان اسماعیلی دارد؟ کتاب الکشف و تفسیر قمی چه رسالتی در معارف اسلامی به‌ویژه بحث امامت دارند؟

نویسنده بر آن است برخی از مهم‌ترین آثار حدیثی اسماعیلیه را با دیدگاه توصیفی - تحلیلی معرفی نماید و نمونه‌هایی از روایات مشترک با میراث اثناعشری و نحوه تعامل بین آن دو را نشان

دهد. فرض بر این است که مطالعات حدیثی بدون توجه به میراث دیگر فرقه‌های اسلامی از جمله فرقه اسماعیلیه در برخی از مباحث ناقص خواهد بود.

۲. معرفی شیعه اثناعشری و اسماعیلی

واژه «شیعه» در لغت از ماده «شیع» به معنای مشایعت، پیروزی و شجاعت است. همچنین به معنای پیروان و یاران اطلاق می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۱/۲). این کلمه در قرآن در معانی لغوی‌اش به کار رفته است (صافات: ۸۳ - ۸۴؛ نیز، ر.ک: قصص: ۱۵).

شیعه در اصطلاح به پیروان حضرت امیر و اهل بیت پیامبر اطلاق می‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۷/۱۱). برخی گستره معنای شیعه را محدودتر کرده و تنها پیروان علی (ع) را شیعه دانسته‌اند (شهرستانی، ۱۳۶۴ش: ۱۶۹/۱). ابوحاتم رازی اسماعیلی نیز پیروان علی (ع) را «شیعه» نامیده است (الرازی، ۲۰۱۵م: ۴۸۸/۱ - ۴۹۱؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۳۶۶/۱ و ۳۶۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲).

شیعه اسماعیلیه، بعد از امام صادق (ع) به صورت یک تفکر در بدنه درونی شیعه امامیه شکل گرفت و با نام‌های گوناگونی در منابع ذکر شده است (الدیلمی، ۲۰۰۸م: ۲۱ - ۲۵؛ غزالی، ۱۴۲۲ق: ۲۱؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق: ۹۶/۱).

همه اسماعیلیه، بعد از امام جعفر صادق (ع) به امامت اسماعیل فرزند امام صادق (ع) عقیده داشتند؛ زیرا هیچ نبی و رسولی نیست مگر این که در زمان حیاتش و بعد از موتش، دارای وصی و جانشینی بوده است، مانند هارون نسبت به موسی، سلیمان نسبت به داوود، شمعون نسبت به عیسی (رازی، ۲۰۱۵م: ۵۲۸/۱).^۱ نیز علی خلیفه پیامبر در زمان حیات رسول الله بود و وصی ایشان بعد از رحلتش شد. در نهایت، جعفر بن محمد ۲۵ سال فقط دارای دو فرزند به نام اسماعیل و عبدالله بود و جعفر به سوی اسماعیل راهنمایی می‌کرد، تا این که در زمان حیات جعفر، جمعیت زیادی از مردم به امامت اسماعیل روی آوردند و جعفر بن محمد، مردم را از این اعتقاد باز نداشت.^۲ مردم گفتند: خداوند امامت و وصایت را در اسماعیل در زمان حیات پدرش جمع کرد و

۱. از نظر شیعه اثناعشری، عیسی همچنان زنده است؛ ولی ابوحاتم رازی به وفات عیسی عقیده دارد.

۲. این دیدگاه در مقابل روایاتی است که امام صادق (ع) مردم را از اعتقاد به امام بودن اسماعیل نهی کرده و در مقابل چنین جریانی به صورت جدی مبارزه کرده است.

بعد از وفات اسماعیل، پسرش محمد به میراث پدرش سزاوارتر بود؛ زیرا محمد از همه عموهایش جز عبدالله بزرگ‌تر بود و چون امر امامت و وصایت بعد از حسن و حسین، هیچ وقت در دو برادر جمع نخواهد شد، پس محمد بن اسماعیل جانشین پدر شد (همان: ۱/ ۵۲۷ - ۵۲۹).

شگفتی زمانی است که محمد بن احمد بن عبدالرحمن ملطی شافعی اندلسی (م ۳۷۷ق)، اسماعیلیه را فرقه سیزدهم از امامیه می‌داند و آنان را دوازده امامی معرفی می‌کند (ملطی، ۱۴۱۳ق: ۲۷)؛ درحالی‌که اجماع علمای اسماعیلی، پیروی از امامان اثنا عشری را تا امام ششم بیان کرده و در ادامه به سلسله ائمه اسماعیلی تکیه کرده‌اند. حتی برخی همچون قاضی نعمان در مقدمه کتاب افتتاح الدعوة اعتقاد به فردی به نام محمد بن حسن عسکری را به چالش می‌کشد. بنابراین، چنین اظهارنظرهایی از کسانی همانند ملطی، به حدس و گمان نزدیک‌تر است تا بیان واقعیت. البته درهم‌تنیدگی عقاید فرق مختلف نیز عامل دیگری است که می‌تواند به نویسندگانی که تسلط کافی ندارند تأثیر بگذارد. هرچند ممکن است افرادی مانند ملطی چنین مطالبی را به قصد ناقص نشان دادن شیعه اثنا عشری مطرح کنند؛ زیرا تنها نام کتاب او حاکی از بدبینی وی نسبت به دیگر فرق است که جملگی را پیروان هوس و بدعت‌گذار معرفی می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۳: ۹ - ۲۵).

ریشه فکری و تاریخی اسماعیلیه به گروه خطابیّه، پیروان ابو الخطاب محمد بن ابی زینب مقلص اجدع اسدی باز می‌گردد (الرازی، ۲۰۱۵م: ۱/ ۵۳۰؛ اسفندیاری، ۱۳۷۴ش: ۱۱۳ - ۱۲۰). ابوالخطاب از بزرگان اصحاب امام صادق (ع) بود و سؤالات شیعیان کوفه را نزد ایشان می‌برد و پاسخ امام را برایشان می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۱۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۷)؛ اما چون نزد اصحاب منزلتی یافت، سخن به غلو راند و امام صادق (ع) را خدا و خود را پیامبر او نامید. شواهد نشان می‌دهد که تعلیمات او - که با نوعی باطنی‌گری و اندیشه حلول و تجسم خداوند در افراد بشر آمیخته بود -، در برخی از شیعیان که نمی‌توانستند بین منزلت روحانی امامان خویش و مقام الوهیت تمیز قائل شوند، اثر گذاشت. نامه مفضل بن عمر، به امام و حیرت و استفسار او از عقاید ابوالخطاب، شاهد تأثیر عمیق تعلیمات او در کوفه است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۵۴۶). امام صادق (ع) به‌زودی از افکار شرک‌آمیز ابوالخطاب تبزی جست و زبان به طرد و لعن وی گشود (کشی، ۱۳۴۸: ۲۹۵)؛ اما افکار ابوالخطاب که ریشه‌ای تاریخی در بخش‌هایی از

جامعه شیعی آن زمان و به تعبیر امام صادق علیه السلام «فروما یگان شیعه» (همان: ۳۰۷) داشت، نه تنها ریشه کن نشد، بلکه به عنوان مذهبی شاخص در بین «سفله» استقرار یافت. حتی پیروان ابوالخطاب، احادیث فراوانی را در کتب اصحاب امام صادق علیه السلام جای داده اند که همه در غلو منزلت امامان است (همان: ۲۲۴).

شیعیان اثناعشری هرگز در پاک بودن اسماعیل نسبت به عقاید و اصول دین، تردید به خود راه نداده اند و این که برخی از محققان معاصر نوشته اند که وی در حیات خود با غالیان و افراطیون شیعه ارتباط نزدیک داشته است، ادعایی است که مدرکی بر آن ارائه نشده است (لوئیس، ۱۳۶۳: ۴۹). نیز آنچه در کتب مستشرقان به غلط مطرح شده است که شیعیان اثناعشری، اسماعیل را فرزند ناشایست پدرش محسوب می کنند و معتقدند که امام صادق علیه السلام وی را به دلیل خصوصیات نامطلوب مانند شراب خواری، از امامت محروم کردند (همان: ۴۷ - ۴۶؛ دفتری، ۱۳۹۳: ۱۱۲)، از اموری است که هیچ منبع اثناعشری بر آن شهادت نمی دهد؛ بلکه به گزارش شیخ مفید، امام صادق علیه السلام علاقه ای شدید به اسماعیل داشت و بسیار به او محبت می کرد تا آن جا که گروهی از شیعیان به این دلیل و به دلیل آن که وی بزرگترین فرزند امام بود، گمان کردند که او بعد از پدرش امام خواهد بود؛ اما آنان که بعد از وفات او مرگش را انکار کردند، نه از نزدیکان امام صادق علیه السلام بودند و نه از راویان او؛ بلکه گروهی بودند از ابعاد و اطراف (شیخ مفید الف، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۰۹ و ۲۱۰). عقیده قرامطه که به شهادت نوبختی گروهی از پیروان ابوالخطاب بودند، در نحوه انتقال امامت به اسماعیل به روشنی نشان می دهد که هدف اصلی خطایه از ادعای خویش، روی گردانی از امامت جعفر بن محمد علیه السلام بوده است. به ادعای آنان هنگامی که پیامبر در غدیر خم علی بن ابی طالب را به امامت نصب فرمود، رسالت از او منقطع شد و به علی بن ابی طالب منتقل شد و قول پیامبر که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» در واقع اعلام خروج او از رسالت و نبوت و تسلیم آن به علی بن ابی طالب بوده است. به همین ترتیب، امامت در زمان جعفر بن محمد از او منقطع و به فرزندش اسماعیل منتقل شد (نوبختی، ۱۴۰۴: ۷۱ - ۷۳؛ زکار، ۲۰۰۷: ۱۱۰ / ۱ - ۱۱۲). بعضی از اسماعیلیان با وجود اقرار به وفات اسماعیل در حیات پدرش معتقدند که بعد از وفات او، امامت به امام صادق باز نگشت؛ بلکه اسماعیل امر را به فرزندش محمد وصایت کرد. پس محمد بن اسماعیل بعد از وفات پدرش در حالی به امامت قیام

کرده است که جدش جعفر صادق علیه السلام زنده بود، همان طور که ناخور بن یوسف در حیات جدش یعقوب به امامت قیام نمود (غالب، بی تا: ۱۶۸ و ۱۳۷ - ۱۳۸). ابوالخطّاب و پیروان او به ظاهر توانستند با این استدلال ها امام صادق علیه السلام را دور بزنند و بدون آن که چیزی از احترام او بکاهند، امامت او را انکار کنند (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۵۸). از آن جهت که ابوالخطّاب توانست یکی از فرزندان اسماعیل را با خود همراه بیاورد، به زودی از قول به حیات و قائم بودن اسماعیل دست برداشت و اعلام کرد امامت در زمان حیات جعفر بن محمد علیه السلام به فرزندش اسماعیل و سپس به فرزندش محمد بن اسماعیل منتقل شده است. به گزارش نوبختی، ابوالخطّاب و پیروانش قبل از آن که در مسجد کوفه بر ضد عامل کوفه قیام کنند، به وفات اسماعیل اعتراف کرده و در فرقه محمد بن اسماعیل داخل شده بودند (همان: ۵۹). بعدها نقش اسماعیل حتی کمتر از این شد تا آن جا که گروهی گفتند امامت از ابتدا از جعفر بن محمد به محمد بن اسماعیل منتقل شده (زکار، ۲۰۰۷ م: ۵۶؛ شیخ مفید ب، ۱۴۱۳ ق: ۳۰۶) که همان قائم است و ظهور خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود.

شیخ مفید با عباراتی مختصر به اصل وجود فرقه اسماعیلیه اشکال گرفته و مشروعیت چنین جریانی را مردود دانسته است (شیخ مفید ب، ۱۴۱۳ ق: ۳۰۸ - ۳۱۰).

۳. میراث حدیثی اسماعیلیه

میراث حدیثی اسماعیلیه به همه مکتوبات اسماعیلی گفته می شود که از محمد رسول الله صلی الله علیه و آله تا امام صادق علیه السلام و سپس توسط امامان اسماعیلی نقل شده است و حتی تأویلات و دیدگاه های داعیان اسماعیلی، مانند قاضی نعمان نیز بخشی از میراث حدیثی اسماعیلیه است (فتحی ب، ۱۳۹۸ ش: ۵۴ - ۷۷). میراث حدیثی اسماعیلی اعم از تفسیر قرآن، تأویل قرآن و روایات، روایات ظاهری و تاریخی، تحلیل کلامی و عقاید اسماعیلی است.

از دیدگاه علمای اسماعیلی، میراث اسماعیلی از نظر محتوایی و به لحاظ مخاطب، دارای مراتبی مانند علوم ظاهری و باطنی است. مخاطب باید از مرتبه ظاهری شروع کند تا بتواند به استفاده از کتابی مانند راحة العقل حمیدالدین کرمانی - که از میراث باطنی مکتوم است - بپردازد (العوا، ۱۳۷۸ ق: ۱۸۸ - ۱۹۹).

جهت شناساندن میراث حدیثی اسماعیلیه، پس از معرفی دانشمندان تأثیرگذار اسماعیلی، به

توصیف و تحلیل آثار آنان پرداخته می‌شود. همچنین به ذکر نمونه‌ای از روایات با رویکرد تطبیقی با منابع اثناعشری اکتفا شده است.

۳ - ۱. ابوحاتم رازی (م ۳۲۲ق)

ابوحاتم احمد بن حمدان رازی، یکی از داعیان بزرگ اسماعیلی است. ابوحاتم پس از خَلَف، احمد بن خلف و غیاث که در فشافویه (روستای گُلین) یکی پس از دیگری مشغول به تبلیغ آیین اسماعیلیه بودند، به تبلیغ سنت اسماعیلی پرداخت. خلف تا سال ۲۸۰ قمری در این منطقه، تبلیغ و تدریس معارف اسماعیلی با عنوان معارف اهل بیت داشت. همچنین غیاث فردی متخصص در علم لغت و حدیث گزارش شده است که برای جانشینی خود ابوحاتم رازی را به عنوان آشنای به علم ادبیات عرب و حدیث برگزید. احمد بن علی، حاکم ری در سال‌های ۳۰۷ - ۳۱۱ ق به دست ابوحاتم به اسماعیلیه گروید و یا حداقل به این آیین تمایل پیدا کرد (طوسی، ۱۳۷۸: ۲۸۳ - ۲۸۶؛ رازی، ۱۳۸۳: مقدمه شین نوموتو، ص پانزده - بیست؛ کلم، ۱۳۸۳: ۵۹). داعیان اسماعیلی در ایران، مسلمانان را به مهدی منتظر دعوت می‌کردند. به نظر می‌رسد طبق گزارش نظام الملک، داعیان اسماعیلی حداقل از سال‌های ۲۷۵ تا ۳۱۵ قمری در منطقه گُلین مشغول به تبلیغ و تدریس احادیث اهل بیت و پیگیر نشر معارف اسماعیلی بوده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد مرحوم کلینی، کتاب الرد علی القرامطه را قبل از هجرت به بغداد نوشته باشد؛ زیرا فعالیت اسماعیلیان قرمطی را از نزدیک در منطقه به‌ویژه روستای خودشان مشاهده کرده یا اطلاع داشته و واکنش نشان داده است و چه‌بسا مفقود شدن این کتاب، قرینه‌ای بر صحت این مدعا باشد.

ابوحاتم احمد بن حمدان رازی، غیر از أبو محمد عبدالرحمن بن محمد بن ادریس تیمیمی حنظلی رازی (م ۳۲۷ق)، معروف به ابن ابی حاتم رازی، مفسّر، متکلم، فقیه و محدث مشهور اسلامی از دانشمندان اهل سنت است (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۵ - ۷۷).

۳ - ۱ - ۱. کتاب الزینة

کتاب الزینة درباره اصطلاحات دینی برای صفات خداوند، بدعت کاری و ارتداد و الحاد، شعائر و مراسم دینی و شعر عربی است. کتاب الزینة شاید به علت فنی‌تر بودنش و همچنین پرداختن به فرقه‌های مسلمین، معروف‌ترین کتاب برای مؤلفان غیر اسماعیلی بوده است. برخی از نویسندگان مهم اهل سنت

که الزینه را منبع خود ذکر می کنند، عبارت اند از: جلال الدین سیوطی و حاجی خلیفه (سیوطی، ۱۳۸۰: ۴۷۸/۱، ۴۸۰، ۵۰۸ و ۶۵۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۱۴۲۳/۲).^۱

کتاب الزینه با کتاب التوحید شیخ صدوق در بررسی صفات الهی هم‌مضمون هستند. این کتاب با رویکرد حدیثی - کلامی است و روایات زیادی در این کتاب منعکس شده است. برای نمونه، علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال ابن الکواء که: «منظور از اعراف در قرآن چیست؟» فرمود: «نحن الاعراف، نعرف شیعتنا بسیماهم...» (رازی، ۲۰۱۵م: ۳۲۵/۱؛ نیز ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ق: ۴۹۷/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۹/۱۸۴).

طبق بررسی کامل کتاب الزینه و التوحید صدوق، برداشت نگارنده سطور این است که برخی از منابع کتاب مشترک بوده است. این که آیا یکی از آن منابع مشترک، کتاب البیان غیاث داعی اسماعیلی بوده باشد، فقط یک احتمال است. همچنین کتاب بصائر الدرجات می تواند یکی دیگر از منابع مشترک ابوحاتم و محدثان اثناعشری باشد.

مرحوم صدوق در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به نقل از عقبه بن أعرج از ابوهریره تعداد اسامی خداوند را برشمرده است و ابوحاتم رازی نیز همین حدیث را از طریق ابن سیرین از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است و در ادامه، آن اسامی را در ضمن حدیث برشمرده است (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۱۱/۲۱۹؛ رازی، ۲۰۱۵م: ۱۴۲/۱).

نمونه ای از روایات مشترک بین این دو کتاب، تأویل حرفی بسم الله است: «... الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ وَ السَّيْنُ سَنَاءِ اللَّهِ...» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۲/۲۳۰؛ رازی، ۲۰۱۵م: ۱۵۹/۱).

نمونه ای از متن مشترک که نشان دهنده این است هر دو مؤلف از منبع سومی بهره برده اند یا مرحوم صدوق از کتاب الزینه برداشت کرده، متن ذیل تعبیر «قال بعض الحكماء»^۲ در هر دو کتاب است (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۱۹۶؛ رازی، ۲۰۱۵م: ۱۸۵/۱ و ۱۸۶). همچنین مطابقت حدیث یادشده در التوحید درباره اشتقاق لفظ جلاله «الله» و معانی اسم های خداوند با بحث مربوطه در الزینه بسیار اشتراک دارد (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۱۳/۲۲۱؛ رازی، ۲۰۱۵م: ۱۶۸/۱ - ۱۷۵، ۱۴۰ - ۱۴۵).

۱. حاجی خلیفه به طور ناصحیح این کتاب را به ابو حاتم سهل بن محمد سجستانی نسبت می دهد (ر.ک: الرازی، ۱۴۱۵ق: ۲۵/مقدمه حسین بن فیض الله همدانی).

۲. به نظر سعید الغانمی محقق کتاب الزینه، منظور از «بعض الحكماء» جناب نسفی صاحب کتاب المحصول است که برای نخستین بار نظریه ابداع در اسماعیلیه بر مبنای تکرار افلاطونی، توسط وی شکل گرفت (ر.ک: الغانمی، ۲۰۱۵: ۱۸۵/۱ پاورقی).

۳ - ۱ - ۲. الاصلاح

الاصلاح در شناخت قصص قرآنی، به تفسیر و تأویل قرآن پرداخته است. صاحب الاصلاح دو مرتبه در نسخه موجود به تبعیت از ائمه اسماعیلی در تأویل کردن اقرار نموده است (رازی، ۱۳۸۳ ش: ۱۹ و ۲۲). برخی از تأویلات مشترک این کتاب با منابع اثناعشری عبارت است از:

- «بسلطان مبین» یعنی بحجة یستیین فیها عذره (همان: ۹۳؛ قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱۲۷/۲).
- ابوحاتم رازی «دابة الارض» (سبأ: ۱۴) را به صاحب الامر و قائم به دعوت اسماعیلی تأویل کرده است (رازی، ۱۳۸۳ ش: ۹۷ و ۹۸؛ نیز ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۳۷۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ۱۰۲/۳).



- تأویل کردن «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ» به زمان انکشاف اساس (رازی، ۱۳۸۳ ش: ۱۲۲) که با این حدیث مشترک است: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ قَالَ خُرُوجُ الْقَائِمِ» (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۳۴۰/۲).

- اذان به اساس (علی علیه السلام) تأویل شده است (رازی، ۱۳۸۳ ش: ۱۲۸؛ نیز ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲۳۱/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۷۰/۴۲۶/۱).

۳ - ۱ - ۳. اعلام النبوة

کتاب اعلام النبوة یکی از کتب کلامی اسماعیلی در حوزه نبوت است که جهت رد کردن دیدگاه محمد بن زکریای رازی درباره نبوت نوشته شده است. در این کتاب، روایاتی از معصومان علیهم السلام نقل شده است (رازی، ۱۳۸۱ ش: ۴۲ - ۴۶). در بخشی از کتاب احادیث موضوع (یا مصنوع) از یک سو و احادیث صحیح از سوی دیگر، مورد بحث و تحلیل قرار می گیرند. همچنین برخی واضعان حدیث مانند ابن مقفع و ابن ابی العوجاء نام برده می شوند (همان: ۵۰ - ۵۴). در فصل های بعدی، ابوحاتم برای آن که مقام والای پیغمبران را نشان دهد و کمالات ایشان را به نحو محسوس تر و ملموس تری بنمایاند، به ذکر مناقب و فضائل حضرت ختمی مرتبت ﷺ می پردازد و پاره ای از معجزات و کرامات ایشان را یادآور می شود (همان: ۶۹ - ۸۷). رمز، تمثیل و اهمیت آن در فهم اسرار ملکوتی، آشکار ساختن تناقضات فلاسفه، اثبات حقانیت و اصالت همه ادیان آسمانی، اعجاز قرآن، معرفی پیغمبران به عنوان اصل و منشأ علوم بشری، از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب بدان ها پرداخته شده است (همان: ۸۸ - ۹۶).

۳ - ۲. ابو یعقوب سجستانی (م ۳۶۱ ق)

اسحاق بن احمد مشهور به ابو یعقوب سجستانی که ادامه دهنده تفکر فلسفی استاد خود

نسفی بود، به زودی به بارزترین سخنگوی این سنت در میان اسماعیلیان سرزمین‌های شرقی تبدیل شد. وی کتاب النصره را در دفاع از نسفی و پاسخ به انتقادات ابوحاتم به نسفی نگاشت و سرانجام، در تأیید دیدگاه‌های ابوحاتم و رد دیدگاه‌های زکریای رازی، کتاب اثبات النبوءات را نوشت. او در کتاب اثبات النبوءات از اندیشه‌های اباحه‌گرانه خود در النصره فاصله گرفت و به دیدگاه‌های فاطمیان نزدیک شد. کتاب المحصول نسفی و النصره سجستانی به خاطر مطالب اباحه‌گرانه، مورد استقبال فاطمیان قرار نگرفته و در طول زمان گم شده‌اند (فرمانیان، ۱۳۹۵ ش: ۱۵۶ و ۱۵۷). برخی از آثار سجستانی عبارت است از:

۳ - ۲ - ۱. کتاب اثبات النبوءات

کتاب اثبات النبوءات در هفت مقاله دوازده فصلی، کتابی مفصل در موضوع نبوت و پیامبران الهی به همراه عقاید خاص اسماعیلیه درباره دور و ختم نبوت به قائم، مسائلی در باب نماز، روزه و قرآن است. حدود صد آیه قرآن در این کتاب تأویل شده است. برای نمونه:

- ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۶). این آیه را به مراتب حدود دین ناطق (پیامبر) اساس (امام علی) و جانشینان آن حضرت در عقاید اسماعیلی تأویل کرده است (سجستانی، بی‌تا: ۶).

- تفاوت بین عقل و نفس: جوهر عقل در ذات خود شیئی واحد است؛ اما جوهر نفس در ذات خود متفاوت است. سپس نویسنده به دو آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...﴾ (یس: ۳۵) و ﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ...﴾ (یس: ۳۹) استناد می‌کند و می‌نویسد: خداوند عقل را به خورشید تشبیه کرده است؛ چون خورشید حرکات مختلف ندارد، همانند عقل که در ذات خود اشیای متفاوت ندارد. منظور از عقل همان سابق (پیامبر) است که فوایدش در تالی (علی) جاری می‌شود. همچنین نفس (تالی / علی) را به ماه تشبیه کرد (سجستانی، بی‌تا: ۴۸).

- در تأویل آیه شریفه ﴿...ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسِنُوا...﴾ (مائده: ۹۳) می‌نویسد: ﴿إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾: مرتبه ایمان به رسول است. ﴿ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا﴾: مرتبه عمل کردن به شریعت است. ﴿ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسِنُوا﴾: مرتبه بالاتری است که همان عمل کردن و پذیرش تأویل است (سجستانی، بی‌تا: ۵۱؛ برای دیدن نمونه دیگر ر.ک: ۶۰ و ۶۱).

۳ - ۲ - ۲. کتاب المقالید الملکوتیه

کتاب المقالید الملکوتیه، بین وحی الهی و فلسفه یونانی ارتباط برقرار کرده است (سجستانی، ۱۴۳۲ق: ۸). کل کتاب شامل هفتاد اقلید (کلید) است. مهم‌ترین آن‌ها اقلید چهل و چهار در اثبات بطلان تناسخ و اقلید پنجاه و دو درباره تبیین فرق بین تنزیل و تأویل است. وی در این کتاب، به تأویل آیات قرآنی پرداخته که این تأویلات، نظیر تأویل‌های مطرح در منابع اثناعشری است. برای نمونه:

- تأویل بِسُلْطَانٍ در آیه ﴿...إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ (الرحمن: ۳۳) هو التأييد الجاری إلى النطقاء و الاسس و الاتماء (همان: ۴۲).

- در اقلید ۱۶ واژه‌های اول، آخر، ظاهر و باطن (حدید: ۳) به حدود اسماعیلی تأویل شده است. - سجستانی به طور تفصیلی به تأویل آیه نور پرداخته است که مشترک با اثناعشری است (سجستانی، ۱۴۳۲ق: ۲۳۷ - ۲۴۴؛ برای دیدن نمونه‌های دیگر از تأویل، ر.ک: همان: ۱۰۴ و ۱۳۶ - ۱۳۹).

۳ - ۲ - ۳. کتاب الافتخار

آخرین اثر سجستانی کتاب الافتخار است. در هفده باب، به شبهات مخالفان اسماعیلیه در مباحث مختلف توحید، نبوت، معاد و... پاسخ تحلیلی و علمی داده است. بارها بعد از بیان عقیده خود می‌نویسد: «فأی افتخار اعظم من درک الحقائق؟» (سجستانی، ۲۰۰۰م: ۱۱۵ و...). یکی از نمونه‌های روایی مشترک بین اثناعشری و اسماعیلی، تأویل «دابة الأرض» در آیه ﴿...أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ...﴾ (نمل: ۸۲) است که در این کتاب چنین یاد شده است:

یعنی أخرج الله لهم رئيسا في العلم (تکلمهم)؛ یعنی يخرجهم من الضلالة إلى الهدى و من الشك إلى اليقين؛ یعنی خداوند برای مردم رئیس علمی (فرد متخصص و متعهد) قرار می‌دهد تا آنان را از گمراهی به هدایت و از شک به یقین برساند. علم تأویل، مخصوص به اساس (علی‌السلام) است و جایز است زمین را به اساس تأویل کنیم؛ زیرا علم تأویل به وسیله اساس در نفوس بشری جای می‌گیرد (سجستانی، ۲۰۰۰م: ۲۱۷ و ۲۱۸؛ برای دیدن مشابه روایت تأویلی اثناعشری ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۱۳۰).

درحالی‌که ابن ابی حاتم روایتی نقل می‌کند که علی‌السلام «دابة الأرض» بودن خود را نفی



می‌کند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۹/ ۲۹۲۴/ ۱۶۵۹۵). شیخ طوسی نیز روایتی را که دلالت کند علی علیه السلام «دابة الارض» است، نقل نمی‌کند (طوسی، بی‌تا: ۸، ۱۱۹ - ۱۲۰).

۳ - ۳. قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق)

طبق نقلی قاضی نعمان (۲۵۹ - ۳۶۳ ق) در ۱۰۴ سالگی از دنیا رفته است. وی در سال ۳۱۳ ق اسماعیلی شد (همدانی، ۱۳۸۷: ۵۷). نسبت به مرحوم کلینی (م ۳۲۹ ق)، محدث خبیر و مشهور اثناعشری، معاصر به حساب می‌آید. برخی قاضی نعمان را «مشرع الاکبر» در اسماعیلیه نامیده‌اند (العوا، ۱۳۷۸ق: ۶؛ جوان‌آراسته، ۱۳۸۴: ۳۰۹ - ۳۵۵). خلیفه فاطمی المعز لدین الله برای کسی که به آثار قاضی نعمان عمل کند، بهشت را تضمین کرده است (قرشی، ۱۴۰۴ق: ۶/ ۴۹). دقت در موضوعات مختلف کتاب‌های قاضی نعمان و سبک نگارش و فصل‌بندی کتب و روانی نوشته‌های او ما را به این مهم رهنمون می‌شود که نویسنده از توانایی علمی بسیار بالا و قدرت تألیف بی‌مانندی برخوردار بوده است.

مهم‌ترین کتاب‌های روایی قاضی نعمان که در دسترس بوده عبارت‌اند از:

۳ - ۳ - ۱. اساس التأویل

قاضی نعمان، این کتاب را بعد از کتاب دعائم الاسلام نوشته و هدفش تأویل آیات مربوط به ولایت بوده است. وی کتاب را اساس التأویل نامید تا این که اساس و اصل برای باطن باشد؛ همان‌طوری که دعائم الاسلام، اصل و اساس ظاهر است (قاضی نعمان ب، بی‌تا: ۲۷). بنابراین، بین دو کتاب دعائم الاسلام و اساس التأویل، ارتباط زیادی برقرار است. یکی مربوط به ظاهر شریعت و دیگری منحصر بر فلسفه باطنی شده است. این دو کتاب با نظارت المعز لدین الله نوشته شد (همان: ۱۳). رویکرد قاضی نعمان، طرح مباحث نقلی است، شاید به همین جهت حمید الدین کرمانی در مقام شمارش کتاب‌های تأویلی که قبل از کتاب راحة العقل می‌بایست مورد توجه قرار گیرند، از اساس التأویل و تأویل الدعائم نام نبرده است؛ زیرا از نظر کرمانی، قاضی نعمان استاد در علم ظاهر، سیره و اخبار است، به خلاف جعفر بن منصور الیمن که استاد در تأویل شریعت است (رک: کرمانی، ۱۴۲۷ق: ۲۶ و ۲۷). حال آن‌که از نظر اسماعیلیه، کتاب اساس التأویل، یکی از منابع مهم در تأویل و تفسیر به شمار می‌آید.

۳ - ۳ - ۲. تأویل الدعائم

کتاب تأویل الدعائم، به تأویل روایات دعائم الاسلام پرداخته است. دعائم الاسلام، مشهورترین کتاب فقهی اسماعیلی است که از دو بخش عبادات و معاملات تشکیل می‌شود. وی به تأویل بخش عبادات (ولایت، صلاة، زکاة، صوم، حج و جهاد) پرداخته و همه مسائل ذکرشده را به عنوان مثلی برای ممشول - دعوت اسماعیلی - به تصویر کشیده است. به همین جهت، تأویل‌های ذکرشده در این کتاب از عمق زیادی برخوردار نیست؛ بلکه هدف، تبلیغ و تربیت افرادی است که در آغاز راه عقاید اسماعیلی قرار گرفته‌اند (رک: قاضی نعمان الف، بی‌تا: ج ۱/ ۴۹ - ۴۸؛ همو ب: ۲۵ - ۲۶).

۳ - ۳ - ۳. دعائم الاسلام

دعائم الاسلام مهم‌ترین اثر فقهی قاضی نعمان با رویکرد نقل حدیث بوده که بیشتر از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل کرده است. نویسنده ادعا می‌کند روایات صحیحی که از ائمه و اهل بیت پیامبر به وی رسیده، در این کتاب گردآوری کرده است (رک: قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق: ۲/۱؛ احمدی، ۱۳۸۹ش: ۳۳۴ - ۳۳۶). برخی این کتاب را مهم‌ترین اثر فقهی اسماعیلیان طیبی نام برده‌اند (دفتری، ۱۳۷۵ش: ۲۸۷)؛ درحالی که از شاخه‌های دیگر اسماعیلیان نیز خود را مقید به عمل کردن به احکام شرعی ذکرشده در آن می‌دانند (شاه خلیلی، ۱۳۸۶ش: ۵ و ۶)، هرچند برخی از آنان مانند دیگر مذاهب، سُستی در عمل داشته باشند. تنها یک حدیث طولانی کتاب دعائم الاسلام (ص ۲۰ - ۲۳) در موضوع ولایت با ۴۶ حدیث از الکافی (کتاب الحجة)، و همچنین با ۱۲۵ حدیث در بصائر الدرجات اشتراک لفظی یا مضمونی دارد (رک: فتحی الف، ۱۳۹۸: ۴۱۰ - ۴۱۳، پیوست ۵).

۳ - ۳ - ۴. المجالس و المسایرات

مؤلف در این کتاب به بررسی تفصیلی سیره خلیفه فاطمی، المعز لدین الله پرداخته و روایات اسماعیلی قابل توجهی از امام اسماعیلی خویش نقل کرده است. قاضی نعمان، محدث مشهور و موثق اسماعیلی از ارتباط بسیار صمیمی خود با امامش پرده برداشته است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶م: ۵۴۵). این کتاب شامل احادیث و مطالب اعتقادی است (همان: ۴۷). برای نمونه در زمینه فقه الحدیث و عرضه حدیث به قرآن کریم با بیان حدیثی از معز تأکید شده است (همان:



۷۸). همچنین المعز، حدیثی در نفی غلو و نفی علم غیب از ائمه اسماعیلی بیان می‌کند (همان: ۸۴) و معتقد است که علم غیب ائمه، جایی است که مردم نمی‌دانند؛ اما غیب مورد نظر سوره نمل آیه ۶۵ متعلق علم ائمه نیست؛ بلکه فقط خدا می‌داند (همان). در ادامه به نقل از مفصل، به داستان طرد ابو الخطّاب توسط امام صادق می‌پردازد و علم غیب را نفی می‌کند (همان: ۸۴ و ۸۵) و پس از عرضه حدیث غدیر به المعز، تأیید ایشان را دریافت می‌کند (همان: ۳۲۷ و ۳۲۸). قاضی نعمان در این کتاب، المعز را امیرالمومنین توصیف کرده است (همان: ۵۱، ۱۵۵ و ۲۷۰). معز خود را از نوادگان امام باقر (ع) می‌داند و همانند ائمه اثنا عشری حدیث انشا می‌کند؛ پس معز، یکی از روایت حدیث نیز هست (همان: ۲۷۰ و ۲۷۱، ۳۷۸). حتی معز، خود را از نظر علمی با علی (ع) برابر می‌داند (همان: ۲۷۲). همچنین خود را به نقل روایات صحیح از امام باقر و امام صادق مقید می‌داند (همان: ۳۹۷). قاضی نعمان از معز، روایاتی از نوع توقیع یاد کرده است که در یکی از آن توقیعات به قاضی نعمان دستور به نوشتن احادیث کرده است و قاضی نعمان تا آن زمان، دست به نوشتن احادیث نبرده بود (همان: ۵۴۵). توقیعات دیگر معز عبارت‌اند از: توقیعات معز به قاضی نعمان (همان: ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۹۳، ۳۹۴)؛ توقیع درباره کسی که از بیعت سرپیچی کند (همان: ۳۹۶)؛ توقیع در رد بغی و توقیع در بالا بردن ارزش علم (همان: ۳۹۷)؛ توقیع درباره روز عاشورا که در آن تأکید می‌کند فقط احادیث صحیح را نقل می‌کند (همان: ۴۰۱)؛ توقیع در فضیلت نیت (همان: ۵۳۴). طبق این گزارش، راویان ناشناخته برای علمای رجال اثنا عشری همچون جناب معز، نقش مهمی در تدوین و تألیف منابع روایی مانند دعائم الاسلام، شرح الأخبار و دیگر آثار فقهی و تاریخی قاضی نعمان داشته است.

۳ - ۳ - ۵. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار

کتاب شرح الأخبار از آثار کهن در زندگی امامان شیعه به خصوص امیرمؤمنان (ع) به شمار می‌رود که با توجه به اشتراک عقیده نویسندگان با اثنا عشریه تا امام ششم، مباحثی که در آن آمده با روایات آنان مطابق است. ۱۴۵۸ حدیث در این کتاب نقل شده که بخش زیادی از آنها در مورد سیره و تاریخ ائمه به ویژه امیرالمؤمنین (ع) است و بیشتر این احادیث با منابع اثنا عشری مطابقت دارند. حدیث شماره ۲۲۵ - ۲۷۵ که در مجموع ۵۱ حدیث می‌شود به روایات تأویلی در مقام ولایت علی (ع) پرداخته است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۲۳۳ به بعد). طی یک مطالعه تطبیقی

پیمایشی بین این ۵۱ حدیث و منابع اثناعشری، ۴۶ حدیث از ۵۱ حدیث با منابع اثناعشری مشترک است و احادیث شماره ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۲ و ۲۴۳ از منفردات قاضی نعمان است. همچنین حدیث ۲۶۹ سکینه (فتح: ۴) را به ولایت امیرالمؤمنین تأویل کرده است که مرحوم کلینی در «بَابُ فِي أَنَّ السَّكِينَةَ هِيَ الْإِيمَانُ» پنج حدیث نقل کرده و هیچ اشاره‌ای به ولایت نکرده است. همچنین حدیث ۲۴۱ نخستین بار در شرح الأخبار نقل شده و سپس در مناقب ابن شهر آشوب منعکس شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۲۰۷/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۳/۳۹).

۳ - ۳ - ۶. التوحید

کتاب التوحید قاضی نعمان درباره حقیقت توحید و نفی تشبیه و نفی صفات از خداوند متعال است. هشت خطبه از خطبه‌های توحیدی امیرالمؤمنین علی (ع) در این کتاب گردآوری و شرح شده است. علاوه بر هشت خطبه علوی، هجده حدیث از رسول الله (ص)، شش حدیث از علی (ع)، یک حدیث از امام سجاد و سه حدیث از امام صادق (ع) نقل شده است.

روش بحث در این کتاب، بررسی مباحث اعتقادی است؛ ولی مبنای مباحث اعتقادی مؤلف، احادیث و آیات قرآن است. این کتاب جهت پژوهش تطبیقی روایات توحیدی میان مذاهب اسلامی، منبع خوبی است. این اثر نیز مانند همه میراث علمی قاضی نعمان به امام خودش المعز عرضه شده است. کتاب توسط محمد مهدی غفوری به چاپ رسیده است.

۳ - ۴. آثار جعفر بن منصور الیمن

جعفر بن منصور الیمن (زنده در ۳۶۵ق)، از جمله دانشمندان اسماعیلی است که عهده‌دار تدوین کلام اسماعیلی بود. وی فرزند ابوالقاسم الحسن بن فرج بن حوشب کوفی، معروف به منصور الیمن است (قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۲ - ۵). جعفر پس از پدرش تبلیغ مذهب اسماعیلی را به عهده گرفت. از آنجایی که اسماعیلیه توجه ویژه‌ای به تربیت مستجبین (افراد) که شروع به یادگیری عقاید اسماعیلیه کرده‌اند) داشته‌اند، جعفر بن منصور الیمن، کتاب‌های العالم و الغلام و الرضاع فی الباطن را به این هدف تدوین کرد (الفقی، بی‌تا: ۶۵). از ایشان آثار مهمی در تأویل آیات قرآن کریم، مانند: الشواهد و البیان فی اثبات مقام امیرالمؤمنین، الفرائض و حدود الدین، تأویل الزکاة، تأویل سورة النساء، تأویل حروف المعجم، سرائر و اسرار النطقاء از خود به‌جای گذاشت (جعفر بن منصور الیمن، ۱۹۵۲م: جیم - یاء؛ همو، ۱۴۰۴ق: ۱۳). در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳ - ۴ - ۱. کتاب الکشف

مصطفی غالب در مقدمه کتاب الکشف، بر این نکته تأکید دارد که مبنای کار اسماعیلیه بر تقیه و عدم کشف حقیقت برای نااهلان بوده، به دلیل عمل کردن به آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء: ۵۸). کتاب الکشف برخلاف رویه معمول دیگر کتاب‌های اسماعیلیه، از اسرار و رمزهای کلمات قرآنی پرده برداشته و به صورت بسیار روشن به تأویلات باطنی تطبیقی آیات قرآن کریم به امام، ولایت و نیز به تطبیق آیاتی از قرآن بر ظلم ظالمان به امامت پرداخته است (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۱۰). کتاب شامل شش رساله، شبیه شش ناطق ادوار اسماعیلی است. نویسنده کتاب الکشف، آیات قرآنی زیادی را تأویل کرده است. این کتاب، معادل تفسیر فرات کوفی، تفسیر خبری و تفسیر قمی است.

۳ - ۴ - ۱. نمونه هایی از تطبیق مطالب الکشف با تفسیر قمی

کتاب الکشف، بسیاری از آیات قرآن کریم را تفسیر و تأویل کرده است. جهان انسانی به دو بخش خوب و بد تقسیم شده است؛ هر کسی که به ولایت اهل ائمه اعتقاد داشته باشد، خوب است، در غیر این صورت، فرد بدی است (ص ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۶ و ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۸۷ و ۸۸، ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۹). از این جهت با کتاب تفسیر قمی اشتراک دارند. نمونه‌هایی از این موارد گزارش می‌شود:

- امام؛ خبر بزرگ

منابع متعدد اثناعشری از جمله تفسیر قمی «نبا عظیم» را به امیرالمومنین علیه السلام تأویل کرده‌اند: «... كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبَأٍ عَظِيمٍ أَعْظَمُ مِنِّي... قُلْتُ لَهُ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ...» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۶۷ و ۶۸)؛ قَالَ هُوَ اللَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام (صفار، ۱۴۰۴ق: ۷۶ / ۱ و ۷۷؛ نیز ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۱ / ۲؛ فرات، ۴۱۰ق: ۵۳۳).

در منابع اسماعیلیه، نبا یعنی صاحب الزمان که منظور امام اسماعیلی است (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۳۱ و ۳۲). همچنین به نقل از علی علیه السلام «أَنَا نَبَأُ الْعَظِيمِ» (قرشی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۴). بحث سندی: طریق بصائر الدرجات تعبیر «و غیره» است که مشکل مجهول بودن «غیره» قابل حل است؛ چون سند، تبدیل به دو طریق می‌شود: یکی از دو سند تعبیر «غیره» نیست؛ اما از جهت متهم به غلو و ضعف بودن «محمّد بن الفضیل» (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۶۵) هر دو

طریق بصائر با چالش عدم اطمینان به صدور مواجه است، مگر این که گفته شود ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است و نشانه‌های «إمامی، ثقة جلیل، لایروی و لایرسل إلا عن ثقة» را به همراه خود دارد (بحر العلوم، ۱۳۶۳ ش: ۲/ ۳۶۶ و ۳۶۷؛ مهریزی، ۱۳۸۰ ش: ۲/ ۵۴۰).^۱ بنابراین حدیث بصائر باید طریق اطمینان بخشی باشد. نیز با وجود نقل بصائر اشکال وارد بر نُصیری بودن خُصیبی نیز برطرف می‌شود؛ چون بصائر الدرجات مقدّم بر الهدایة الکبری است؛ اما یک مشکل این است که جناب ابن ابی عمیر، تنها از ثقة روایت نقل می‌کند و از افراد ضعیف روایت نمی‌کند، در حالی که این مورد، خلاف دیدگاه مشهور رجالی درباره اصحاب اجماع است، مگر این که گفته شود از نظر ابن ابی عمیر، محمد بن فضیل ثقة بوده است.

در الکافی (۳/ ۲۰۷/ ۱) نیز روایت فوق با کمی تفاوت نقل شده که به دلیل مجهول بودن «أو غیره» در سند و متهم به غلو و ضعف بودن «محمد بن الفضیل» ضعف سندی دارد. همچنین در باب نکت و نتف آمده است: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الْوَلَايَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۴/ ۴۱۸/ ۱).

بررسی سند حدیث باب نکت و نتف: مُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ نَزْدَ نَجَاشِي مَضْطَرِبِ الْحَدِيثِ وَ الْمَذْهَبِ اسْتِ (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۴۱۸) و مُحَمَّدُ بْنُ أَوْرَمَةَ الْقُمِي نَزْدَ قُمِي هَا مَتَّهَمٌ بِغُلُوٍّ بُوْدِه اسْتِ (همان: ۳۳۰) و عَلِيٌّ بْنُ حَسَنِ الْهَاشِمِيِّ نِيْزَ بِهَشَدْتِ ضَعِيْفٍ وَ فِسَادِ اعْتِقَادِي دَارِدِ (همان: ۲۵۱). همچنین عبد الرحمن بن كثير الهاشمي نیز متهم به وضع حدیث است (همان: ۲۳۵). پس این حدیث نیز ضعف سندی دارد. البته ضعف سندی، لزوماً دلالت بر ضعف محتوای حدیث نمی‌کند.

- امامان؛ صاحبان علم

- در تأویل آیه ۴۹ سورة عنكبوت به علم ویژه اهل بیت تأکید شده است. بصائر الدرجات، هجده روایت تأویلی و الکافی پنج روایت تأویلی درباره این آیه نقل کرده‌اند که همگی صاحبان علم بودن اهل بیت را می‌رساند (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۱/ ۲۰۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱/ ۲۱۳). در این میان، مرحوم استرآبادی حدیثی از احمد بن محمد بن سیار، معروف به سیاری، حدیثی نقل می‌کند که متن آن با همه روایات دیگر ذیل آیه متفاوت است؛ زیرا در این حدیث علاوه بر علم اهل بیت، سخن از

۱. با توجه به نقل ابن ابی عمیر از افراد متهم به غلو و ضعیف، نشانه اخیر قابل تغییر است.

قائم و صاحب السیف نیز به میان آمده است که در دیگر روایات، موجود نبود (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۴۲۴). صاحب السیف بودن قائم، دیدگاه اسماعیلیه درباره مهدی اسماعیلی است و چه بسا اسماعیلیه در این تفکر از سیاری و مانند او تأثیر پذیرفته‌اند. برخی از روایات اثنا عشری عبارت است از: «... فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ «... فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۱۴ و ۴).

اسماعیلیه نیز روایات تأویلی مشترک با اثنا عشری نقل کرده‌اند برای نمونه: «... فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ... وَ نَحْنُ الَّذِينَ أُوتِينَا الْعِلْمَ...» (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق: ۲۲/۱؛ نیز ر.ک: ۷۹؛ همو، ۱۴۰۹ق: ۲/۲۱۶ و ۲۱۷).

همچنین صاحب الکشف در تأویل آیه می‌نویسد: «صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، اهل ولایت عليهم السلام و «مَا يَجْعَدُ بَيَاتِنًا»، منکران قائم هستند» (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۳۱). مطابق با روایت تأویلی الکشف در تفسیر القمی یافت شد که «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را به ائمه و نیز معنی «وَمَا يَجْعَدُ بَيَاتِنًا» را به منکران مقام امیر المؤمنین و ائمه تأویل کرده است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۱/۲).

- شجره طَیِّبه؛ اهل بیت عليهم السلام

شجره طَیِّبه در منابع اثنا عشری به اهل بیت تفسیر و تأویل شده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۶۹/۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۶۰/۱). همچنین در منابع اسماعیلی، شبیه روایات تأویلی اثنا عشری زیاد انعکاس یافته است، برای نمونه: «کلمه طَیِّبه» پیامبر خاتم محمد صلی الله علیه و آله؛ «شَجَرَةُ طَیِّبَةٍ» فاطمه علیها السلام؛ «أَصْلُهَا ثَابِتٌ» محمد صلی الله علیه و آله؛ «فَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ»، مقام امامی بعد از امام قبلی از فرزندان فاطمه علیها السلام؛ «كَلِمَةُ حَبِيبَةٍ»، در تنزیل عمر بن خطاب و در باطن شیطان؛ «ارض»، یعنی وحی که به وسیله آن از جهنم نجات پیدا می‌شود و چون بنی امیه و مخالفان ائمه از وحی بریده بودند، داخل در جهنم می‌شوند؛ «مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»، یعنی دشمنان ائمه که نَسَب درستی از نظر دین و دنیا ندارند (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۳۶ و ۳۷؛ نیز ر.ک: قبادیانی، ۱۳۸۵: ۴۳۰ و ۴۳۱؛ همو، ۱۳۸۴ش: ۱۱ و ۱۲). قاضی نعمان نیز «شجر» را به صاحب الزمان (پیامبر / امام) تأویل کرده است (قاضی نعمان الف، بی‌تا: ۱/ ۱۹۱). همچنین به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نویسد: مَثَلُ مَنْ وَ عَلَى مِثْلِ دَرْخَتٍ اسْت؛ مَنْ اَصْلُ اَنْ، عَلَى شَاخَةٍ اَنْ، حَسَنٌ وَ حَسِينٌ مِوَةٌ اَنْ وَ

شیعیان، برگ‌های آن درخت هستند (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۴۵۵/۳؛ نیز برای دیدن حدیث دیگر، ر.ک: همان: ۲۲۱/۱ - ۲۰۷/۲۲۴).

جهت رعایت اختصار به چند نمونه دیگر اشاره می‌شود: امام، کتاب مبین (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۳۷۴؛ جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۳۸ و ۱۴۹)؛ امام، تین و زیتون (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۲۹ و ۴۳۰؛ فرات، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹؛ جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۴۱؛ نیز ر.ک: قبادیانی، ۱۳۸۴ش: ۸۰ و ۸۱)؛ امام، آب گوارا (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۳۴۰؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۷۹؛ ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۱۷۶؛ جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۴۲؛ قاضی نعمان الف، بی‌تا: ۱۰۰/۳)؛ ولایت امیرالمومنین، فرمان بردن از خدا (قمی، ۱۴۰۴ق: ۷۱/۱؛ فرات، ۱۴۱۰ق: ۶۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۱۷؛ ۲۹؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۱/۲۲۶/۲۲۳ و ۲۶۴/۲۴۲؛ جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ق: ۴۸ و ۹۵).

۳ - ۴ - ۲. سرائر و اسرار النطقاء

کتاب سرائر و اسرار النطقاء، قصه‌های انبیا (مانند: حضرت آدم، ادریس، نوح، هود، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، موسی، ... و خاتم النبیین) را به روش باطنی تأویل کرده است. این اثر نیز به تأویل بسیاری از آیات قرآن کریم پرداخته است (ر.ک: جعفر بن منصور الیمن، ۱۹۸۴م: ۲۳، ۲۹ و ۲۳۹). همچنین روایات فراوانی را از معصومان علیهم‌السلام نقل کرده است (ر.ک: همان: ۳۰، ۲۴۲، ۲۵۸ و ۲۶۱).

۳ - ۴ - ۳. العالم و الغلام

این کتاب در ذکر ماجرای میان عالمی در جستجوی شاگرد و جوانی در جستجوی معارف و حکمت (تأویل) است. در این کتاب، بحث بین استاد و شاگرد در محور پرسش‌هایی از علم و ایمان حقیقی می‌چرخد و این که چگونه می‌توان این دو را (علم و ایمان) با پیروی از امامان از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دست آورد. العالم و الغلام در پی اثبات مرجعیت ائمه در بحث تأویل است.

۳ - ۵. آثار احمد حمید الدین کرمانی (م ۴۱۱ ق)

احمد بن عبدالله حمید الدین کرمانی، با داشتن لقب «حجة العراقین»، به مقام رهبری دعوت او در دو قلمرو عراق اصلی و بخش‌هایی از ایران دلالت دارد. ایشان نماینده تفکر اسماعیلی در پیشرفته‌ترین

صورت نظری آن بود. وی در مبارزه با دیدگاه الوهیت الحاکم بامر الله، رساله‌های مباسم البشارة بالامام الحاکم بالله و الواعظة را نوشت (غالب، ۱۹۶۷م: ۴۰ - ۴۸).. در رساله مباسم المباشرة بر حقانیت الحاکم به عنوان امام به حق تأکید کرده و همچنین در المصابیح فی اثبات الامامة بر وجوب پیروی از امامت الحاکم بامر الله استدلال نموده است (کرمانی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۸؛ همو، ۱۴۱۶ق: ۱۰۴ به بعد). در کتاب الریاض فی الحکم بین الصادین، به داوری بین دیدگاه سجستانی در کتاب النصره با دیدگاه ابوحاتم رازی در کتاب الاصلاح پرداخته و دیدگاه ابوحاتم رازی را تأیید کرده است (کرمانی، بی تا: ۶ - ۳۷، مقدمه محقق). کرمانی شخصیتی است که بیشتر دانشمندان اسماعیلی، داوری وی را در منازعات قبول کرده‌اند و درباره او تعبیر شیخ العظیم و فیلسوف الحکیم به کار برده‌اند (کرمانی، ۱۹۶۷م: ۵۹۱). برخی از آثار کرمانی که در آن به تأویل پرداخته است، معرفی می‌شوند:

۳ - ۵ - ۱. راحة العقل

کتاب راحة العقل، دقیق‌ترین اثر در کلام اسماعیلی است که پژوهشگر جهت درک مطالب عمیق و دقیق آن باید قبل از مطالعه این کتاب، به منابع متعدد اسماعیلی به عنوان پیش نیاز مراجعه کند؛ در غیر این صورت، مطالعه‌کننده مبتدی به هلاکت خواهد افتاد (کرمانی، ۱۴۲۷ق: ۲۶ - ۲۷). تأویل را ابزاری برای برقراری موازنه بین عالم علوی و سفلی دانسته است. آیات را به نطقاً و ائمه تأویل برده است. نمونه‌ای از تأویل در آیه ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ...﴾ (بقره: ۸۵)، منظور از ایمان به بعضی از کتاب، ایمان به عبادت ظاهری است و منظور از کفر به بخش دیگر کتاب، کفر و انکار عبادت باطنی و علم به تأویل است (کرمانی، ۱۹۶۷م: ۵۸۹).

۳ - ۵ - ۲. المصابیح فی اثبات الإمامة

کتاب المصابیح فی اثبات الإمامة، یکی از منابع مهم در موضوع امامت در اندیشه اسماعیلی به شمار می‌رود. در مصباح ششم، با هفت برهان، وجوب تأویل را به اثبات رسانده است (ر.ک: فتحی، ۱۴۰۰ش: ۷۷ - ۹۶). در مقاله دوم، به مسائل مربوط به امامت نظیر: ضرورت امام، عصمت امام، وجوب امامت با نص خدا و رسول، اثبات امامت علی علیه السلام بعد از پیامبر ﷺ و اثبات امامت الحاکم بامر الله پرداخته است (کرمانی، ۱۴۱۶ق: ۸ - ۱۰). مبنای درستی تأویلات اسماعیلی، عصمت امام است که در این کتاب به اثبات رسیده است. رویکرد غالب این کتاب، مباحث کلامی است که از آیات قرآن و احادیث استفاده شده است.

۴. جایگاه علم رجال در منابع اسماعیلی

علمای اسماعیلیه به دانش رجال اعتقادی ندارند. هر چند برخی از دانشمندان مانند قاضی نعمان در برخی از آثارش نظیر شرح الأخبار به ذکر سند روایت مقید است، در کتاب دعائم الاسلام، اسناد را نقل نکرده است. ابوحاتم، سجستانی، جعفر بن منصور الیمن و حمیدالدین کرمانی نیز به طور معمول اسناد را نقل نمی‌کنند. با بررسی متون به برخی از نکات رجالی مانند توثیق و تضعیف برخی راویان دست می‌یابیم (اعلام النبوة: ۵۰ - ۵۴)؛ اما کتاب مستقل رجالی در منابع اسماعیلی یافت نشد. به نظر می‌رسد علت این مسئله، ممکن است اعتقاد اسماعیلیه به امام حاضر باشد. چنان‌که گذشت، قاضی نعمان به عنوان یکی از محدثان بزرگ، نوشته‌های حدیثی خود را به امامش عرضه کرده است (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۸: ۵۴ - ۷۷). یکی از عوامل دیگر در راستای عدم توجه به دانش رجال، زیست پنهان اسماعیلیه است؛ زیرا غیر از قاضی نعمان، نامی از محدثان و راویان به اصطلاح اسماعیلی در منابع رجالی برده نشده است. حتی قاضی نعمان را صریح معرفی نکردند؛ بلکه با لفظ عام «امامی» نام برده‌اند، به همین جهت برخی از بزرگان اثناعشری در تمییز مذهب وی دچار اشتباه شدند (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۳۱۰ - ۳۵۵). چون قاضی نعمان رویکرد متعادلی در باطن‌گرایی داشت، میراث وی برای جذب دیگر مردمان مسلمان امامی به کار می‌رفت؛ اما چنان‌که گذشت، المعز یک راوی حدیثی است و هیچ یادی از او در منابع کهن رجالی یافت نمی‌شود. بنابراین پس از محمد بن اسماعیل ائمه دوره ستر اسماعیلی به طور عمد، روش پنهان زیستن را برگزیدند و همین روش را در معرفی نکردن راویان مشهور خود در زمان حکمرانی آشکار نیز ادامه دادند. این روش زیست، با دانش رجال که به صراحت مشخصات اعتقادی راویان را منتشر می‌کند، سازگار نیست. بنابراین گاهی برای خود نام مستعار برگزیده‌اند (ابوالفرج، بی‌تا: ۱۳۸ و ۱۳۹). ابن کلس معتقد بود محمد بن اسماعیل، همان «میمون القداح» معروف به «قداح الحکمة» و «زید الهدایة» است. ایشان ۵۲ رساله علمی در علوم مختلف نوشت (همان: ۱۳۹). برخی از معاصران، عبدالله بن میمون قداح را حجت و امام اسماعیلی معرفی کرده‌اند که در قرن سوم، از اهواز به کوفه رفته است و ۵۲ رساله علمی را نیز رسائل اخوان الصفا دانسته‌اند (غالب، ۱۳۴۳ق: ۴۹ و ۱۳۲ و ۱۳۳).

قاضی نعمان از روایات راویان زیدی، فراوان حدیث آورده، مانند حدیثی که از عباد بن یعقوب



از امام باقر نقل کرده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۲/۳۴۴/۶۹۰). عبّاد از راویان زیدی جارودی است (ر.ک: فتحی الف، ۱۳۹۸: ۲۰۵) که احادیثی از ابوالجارود نقل کرده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۰۱/۲۵ و ۲۳۸/۲۴۸ و ۲۳۹/۲۵۲ و ۲۷۳/۵۸۲ و ۳/۴۶۱/۱۳۴۹ و ۴۹۰/۱۴۲۰ و ۴۹۸/۱۴۳۰). البته قاضی نعمان جایی که سند نقل می‌کند، به خلاف مرحوم کلینی، به همه سلسله سند اشاره نمی‌کند.

۵. تعامل حوزه علمیه قم با میراث حدیثی اسماعیلی

میراث حدیثی اسماعیلیه پس از قرون متمادی در سده اخیر، توسط اندیشمندان حوزه علمیه قم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد تعاملی حوزه علمیه با اندیشه‌های اسماعیلی بویژه منابع حدیثی آنان علاوه بر نوشتن مقاله و رساله علمی، به تدوین واحد درسی برای پژوهشگران این عرصه انجامید. مانند: گروه فرق و مذاهب جامعه المصطفی العالمیه و گروه شیعه شناسی دانشگاه ادیان. دانش پژوهان مرکز علمی جامعه المصطفی، برخی از کتب حدیثی قاضی نعمان مانند دعائم الاسلام و تأویل الدعائم را مورد بررسی قرار می‌دهند. بخشی از دروس خارج حوزه علمیه قم به تحلیل شخصیت رجالی، علمی و مذهبی محدث شهیر اسماعیلی، جناب قاضی نعمان، اختصاص دارد. شانزده مورد کلیدواژه «قاضی نعمان» در مجموعه آثار آیت الله شبیری زنجانی در لابلای دروس خارج وی به کار رفته است. همچنین در نرم افزار حدیث اهل بیت (مجموعه آثار دارالحدیث) کلید واژه یاد شده ۵۹ مرتبه به کار رفته است که در آثار مختلف چاپ شده در این مجموعه به مذهب و میراث حدیثی قاضی نعمان می‌پردازد. همزمان با این کوشش برخی از میراث حدیثی اسماعیلی توسط حدیث پژوهان در مجموعه‌های علمی حوزوی تصحیح و به همراه تعلیقه منتشر شده‌اند.

کتاب شرح الأخبار قاضی نعمان توسط استاد محترم محمد حسین حسینی جلالی در سه مجلد با مقدمه‌ای عالمانه و پاورقی‌های دقیق توسط انتشارات جامعه مدرسین در سال ۱۴۰۹ق منتشر شد. انتشار این اثر توسط جامعه مدرسین حاکی از تعامل حوزه علمیه قم با میراث حدیثی اسماعیله بود. چنانکه مصحح در مقدمه کتاب، اذعان دارد: «این کتاب از جهت نقل روایات غدیر خم از کتاب الولایه یا الغدیر طبری مورد توجه محدثین و مورخین قرار گرفته است زیرا تنها طریقی به کتاب طبری منقولات قاضی نعمان در این اثر حدیثی است.» (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق،

ج ۱، ص ۸۱ و ۹۹ - ۱۳۰). دو جلد نخست از این اثر که درباره امیرالمومنین (ع) است با تفاوت کمی مطابق با روایات منقول در میراث حدیثی اثناعشری است.

همچنین از دیرباز، استدلال به روایات دعائم الاسلام توسط فضلالی حوزه علمیه قم مورد توجه بوده است. بویژه در دوره معاصر، برخی از حدیث پژوهان مانند استاد سید احمد مددی نحوه چینش روایات این کتاب را به لحاظ کاربست آن در حکمرانی قابل توجه می دانند. به نظر می رسد دیدگاه استاد مددی با عنایت به این نکته که قاضی نعمان این کتاب را به عنوان اساسنامه شرعی و مبنای حکمرانی برای جامعه اسماعیلی تدوین و به المعز (امام اسماعیلی) عرضه نموده است به واقع نزدیکتر است.

کتاب التوحید قاضی نعمان با مقدمه طلبه فاضل، مهدی غفوری، با تایید ریاست محترم انجمن حدیث حوزه علمیه قم، جناب استاد حجت الاسلام و المسلمین عبدالهادی مسعودی در سال ۱۴۰۰ ش توسط انتشارات مبین منتشر شد.

تک نگاشته هایی درباره میراث حدیثی و رجالی اسماعیلی در صد سال اخیر در حوزه علمیه قم و مراکز تخصصی زیر مجموعه آن منتشر شده که مورد استقبال پژوهشگران نیز واقع شده است. برخی از آن آثار عبارتند از:

۵ - ۱. روش های تأویل قرآن

آقای محمداکظم شاکر در کتاب روش های تأویل قرآن، فصل پنجم کتاب را به بررسی میراث حدیثی اسماعیلی اختصاص داده است. این اثر توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۶ ش چاپ شده است.

۵ - ۲. مجموعه مقالات اسماعیلیه

کتاب مجموعه مقالات اسماعیلیه توسط اساتید گروه مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم در سال ۱۳۸۴ ش تدوین و به چاپ رسید. تعدادی از بزرگان اسماعیلی مانند ابوحاتم رازی، قاضی نعمان و ناصر خسرو از نظر مباحث رجالی و آثار باقی مانده از آنان مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مقالاتی درباره توحید، معاد و امامت در میراث اسماعیلی تحلیل شده است. این اثر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفت.

همچنین کتابهای چاپ شده در زمینه جریانهای تفسیری به میراث حدیثی و تفسیری

اسماعیلی پرداخته‌اند. برای نمونه کتاب آسیب‌شناسی جریانهای تفسیری اثر محمد اسعدی و همکارانش در بخش چهارم آن از صفحه ۲۵۰ - ۲۹۰ به جریان باطنی و تأویلات اسماعیلیّه اختصاص دارد. این کتاب توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۰ ش به چاپ رسید. برخی از فقهای بزرگ مانند شیخ انصاری (متوفای ۱۲۸۱ق) در کتاب مکاسب به حدیث دعائم الاسلام استناد کرده و محشین این کتاب نیز به تبع ایشان، حدیث مورد استناد وی را تحلیل کرده‌اند. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲ - ۱۳)

۶. نرم افزارهای مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور و میراث اسماعیلیّه

مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور یک از مراکز مهم دیجیتال حوزه علمیّه قم در جهان اسلام و از ابتکارات مهم انقلاب اسلامی در دوره معاصر است. برخی از نرم افزارهای آن مرکز به انتشار دیجیتالی میراث اسماعیلی پرداخته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۶ - ۱. نرم افزار جامع الاحادیث

کتاب دعائم الاسلام، منتشر شده به سال ۱۳۸۵ق توسط موسسه آل البیت (ع) قم، و نیز کتاب شرح الاخبار، منتشر شده به سال ۱۴۰۹ ق توسط جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم با تصحیح محمدحسین حسینی جلالی در فهرست آثار موجود در نرم افزار جامع الاحادیث قرار دارد.

۶ - ۲. نرم افزار جامع فقه اهل بیت

دو کتاب دعائم الاسلام و تأویل الدعائم از قاضی نعمان در فهرست آثار موجود در نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع) قرار دارند.

۶ - ۳. نرم افزار کلام اسلامی

در فهرست آثار موجود در این نرم افزار، تعدادی از آثار ناصر خسرو قبادیانی (متوفای ۴۸۱ق) قرار دارد. برخی از این کتب مانند کتاب وجه دین، بازنویسی روایات تأویلی اسماعیلی قرن چهارم به زبان فارسی است. همچنین کتابهای جامع الحکمتین، خوان الاخوان، زاد المسافر و گشایش و رهایش از آثار ناصر خسرو قبادیانی به وسیله نرم افزار کلام اسلامی در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است. همچنین کتاب تأویل الدعائم قاضی نعمان و نیز کتاب اربعه اسماعیلیه در این نرم افزار موجود است.

کتاب کنز الولد ابراهیم بن الحسین حامدی (متوفای ۵۵۷ ق) از دانشمندان کلام اسماعیلی و کتاب تاج العقاید و معدن الفوائد علی بن ولید (متوفای ۶۱۲ ق) نیز توسط این نرم‌افزار در دسترس پژوهشگران قرار دارد.

نتیجه‌گیری

میراث اسماعیلیه، یکی از منابع مهم در زمینه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است. مهم‌ترین دانشمندان تأثیرگذار اسماعیلی در عرصه معارف حدیثی، عبارت‌اند از: ابوحاتم رازی، ابویعقوب سجستانی، قاضی نعمان، جعفر بن منصور الیمن و حمید الدین کرمانی که همه آنان در قرن چهارم هجری می‌زیسته‌اند. آثار مهمی مانند: دعائم الاسلام، شرح الأخبار، کتاب التوحید، الاصلاح، الزینة، اعلام النبوة و الکشف، از کتاب‌های مهم حدیثی اسماعیلی به شمار می‌روند. در منابع اسماعیلی، از رسول الله ﷺ تا امام صادق (علیه‌السلام) و سپس از ائمه مخصوص اسماعیلی مانند المعز، حدیث نقل شده است. همان گونه که دانشمندان اسماعیلی مانند: قاضی نعمان، ابوحاتم رازی و سجستانی، راوی حدیث هستند، ائمه مورد نظر اسماعیلی همچون المعز نیز علاوه بر نقل حدیث، طبق فهم خود، احادیث اهل بیت را هم روایت کرده‌اند.

دانش رجال در میراث اسماعیلیه، مورد توجه واقع نشده است و علت این امر، اعتقاد به امام حاضر در میان اسماعیلیه است. آنان احادیث را به امام حاضر خود عرضه داشته‌اند.

میراث حدیثی اسماعیلی، اشتراک زیادی با میراث حدیثی اثناعشری دارد. طبق نمونه‌های ذکر شده در این نوشتار، هر دو گروه (اثناعشری و اسماعیلی)، از راویان متهم به غلو و حتی فاسد المذهب، حدیث نقل کرده‌اند.

روایات تفسیری و تأویلی ذیل آیات قرآنی، مانند اشتراک محتوایی کتاب تفسیر قمی و الکشف، از جمله میراث حدیثی مشترک میان میراث اثناعشری و اسماعیلی است. علاوه بر این باید اشاره کرد که در صد سال اخیر توجه بیشتری به تعامل با میراث اسماعیلی بویژه در حوزه حدیث شده است.



کتاب نامه

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم: علامه.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم.
۳. ابوالفرج، یعقوب بن یوسف بن کلس (بی تا)، رساله المذهبه، تحقیق: عارف تامر، بی جا: بی نا.
۴. احمدی، مهدی (۱۳۸۹ش)، تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری، قم: دارالحدیث.
۵. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات، تصحیح: حسین استادولی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. اسفندیاری، اسکندر (۱۳۷۴ش)، پژوهشی درباره طوایف غلات تا پایان غیبت صغری و موضع ائمه در این باب، تهران: سازمان تبلیغات.
۷. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، المکاسب، قم: کنگره جهانی شیخ انصاری رحمته الله.
۸. بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۶۳ش)، الفوائد الرجالية، تهران: مکتبه الصادق.
۹. جعفر بن منصور الیمن (المنسوب) (۱۴۰۴ق)، الكشف، تحقیق: مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
۱۰. (۱۹۸۴م)، سرائر و اسرار النطقاء، تحقیق: مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
۱۱. (۱۹۵۲م)، کتاب الكشف، قاهره: نشر ستروطمان.
۱۲. جوان آراسته، امیر (۱۳۸۴)، «قاضی نعمان و مذهب او»، چاپ شده در: مجموعه مقالات اسماعیلیه، قم: ادیان و مذاهب، دوم.
۱۳. حاجی خلیفه، مصطفی (بی تا)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. دفتری، فرهاد (۱۳۹۳ش)، تاریخ و سئتهای اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.
۱۵. دفتری، فرهاد (۱۳۷۵ش)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز.



۱۶. الدیلمی، محمد (۲۰۰۸)، بیان مذهب الباطنیة و بطلانه من کتاب قواعد عقائد آل محمد، تحقیق: شتروطمان، پاریس: داربیلیون.
۱۷. رازی، ابوحاتم احمد (۱۴۱۵ق)، الزینة، تحقیق: حسین بن فیض الله همدانی، صنعاء: مرکز الدراسات و البحوث الیمنی.
۱۸. (۱۳۸۱ش)، اعلام النبوة، تصحیح: صلاح الصاوی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۹. (۲۰۱۵م)، کتاب الزینة، تحقیق: سعید الغانمی، بیروت: الجمل.
۲۰. (۱۳۸۳ش)، الاصلاح، مقدمه: شین نوموتو، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دوم.
۲۱. زکار، سهیل (۲۰۰۷م)، الجامع فی أخبار القرامطه فی الاحساء - الشام - العراق - الیمن، دمشق: حلبونی.
۲۲. سبحانی، جعفر (۱۳۹۳)، «آیا کلام شیعی و امدار کلام معتزله است؟!»، کلام اسلامی، شماره ۸۹، صفحه ۹ - ۲۵.
۲۳. سبحانی‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، «ابن ابی حاتم و تفسیر او»، حدیث اندیشه، شماره ۵، صفحه ۶۵ - ۷۷.
۲۴. سجستانی، ابو یعقوب اسحاق (۲۰۰۰م)، الافتخار، تحقیق: اسماعیل قربان حسین پوناوالا، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۲۵. _____ (۱۴۳۲ق)، المقالید الملکوتیه، تحقیق: اسماعیل قربان حسین پوناوالا، تونس: دارالغرب الاسلامی.
۲۶. _____ (بی‌تا)، اثبات النبوات، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دارالمشرق، دوم.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۰)، ترجمه الإتقان فی علوم القرآن، ترجمه و تحقیق: مهدی حائری قزوینی و محمد ابوالفضل ابراهیم، تهران: امیر کبیر.
۲۸. شاه خلیلی، امیرحسین (۱۳۸۶ش)، هفت رکن دین در عبادات اهل یقین، تهران: چشم‌انداز.
۲۹. شهرستانی، محمد (۱۳۶۴ش)، الملل و النحل، تحقیق: محمد بدران، قم: الشریف الرضی، سوم.

۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی (۱۳۹۸ق)، التوحید، تصحیح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۳۱. شیخ مفید، محمد (الف ۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۲. _____ (ب ۱۴۱۳ق)، الفصول المختاره، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۳. صفار، محمد (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تصحیح: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۳۴. طوسی، محمد (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۳۵. (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: احمدحبيب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. (۱۳۷۳ش)، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: جماعة المدرسين، سوم.
۳۷. طوسی، نظام الملک (۱۳۷۸ش)، سیر الملوك، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چهارم.
۳۸. علیاری تبریزی، علی (۱۴۱۲ق)، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، تصحیح: جعفر حائری، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، دوم.
۳۹. العوا، عادل (۱۳۷۸ق)، منتخبات اسماعیلیه، دمشق: مطبعة الجامعة.
۴۰. غالب، مصطفى (۱۳۴۳ق)، اعلام الاسماعیلیه، بیروت: دارالیقظة العربیة.
۴۱. (بی تا)، تاریخ الدعوة الاسماعیلیة، بیروت: دارالاندلس.
۴۲. (۱۹۶۷م)، مقدمه راحة العقل، بیروت: دارالاندلس.
۴۳. فتحی، ابوالفضل (ب ۱۳۹۸ش)، تأویل در روایات اسماعیلی، علوم حدیث، شماره ۹۲، صفحه ۵۴ - ۷۷.
۴۴. فتحی، ابوالفضل (الف ۱۳۹۸ش)، بررسی روایات تأویلی اثنا عشری و اسماعیلی ناظر به آیات قرآن با تأکید بر آیات ولایت، رساله دکتری، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
۴۵. فتحی، ابوالفضل (۱۴۰۰ش)، «ضرورت و ماهیت تأویل در کلام اسماعیلیه»، تحقیقات کلامی، شماره ۳۵، صفحه ۷۷ - ۹۶.
۴۶. فرات، فرات بن ابراهیم کوفی (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات کوفی، تهران: وزارة الإرشاد الإسلامي.

۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، ترتیب العین، قم: هجرت، دوم.
۴۸. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۵ش)، درس نامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، قم: نشر ادیان.
۴۹. الفقی، الحبيب (بی تا)، التأویل اسسه و معانیه فی المذهب الاسماعیلی، تونس: مرکز الدراسات و الابحاث للاقتصادیة و الاجتماعیة.
۵۰. قاضی نعمان، ابوحنیفه نعمان تمیمی مغربی (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، تصحیح: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت، دوم.
۵۱. (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار، تصحیح: محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین.
۵۲. (الف بی تا)، تأویل الدعائم، قاهره: دارالمعارف.
۵۳. (ب بی تا)، اساس التأویل، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دارالثقافة.
۵۴. (۱۹۸۶م)، افتتاح الدعوة، تحقیق: فرحات الدشراوی، تونس: بی نا.
۵۵. (۱۹۹۶م)، المجالس و المسایرات، تحقیق: حبيب الفقی، بیروت: دارالمنتظر.
۵۶. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۴ش)، وجه دین، تهران: اساطیر، دوم.
۵۷. (۱۳۶۳ش)، جامع الحکمتین، تحقیق: محمد معین، تهران: طهوری، دوم.
۵۸. (۱۳۸۵)، زاد المسافرن، تحقیق: محمد بذل الرحمن، تهران: اساطیر، دوم.
۵۹. (۱۳۸۴ش)، خوان اخوان، تهران: اساطیر.
۶۰. قرشی، ادريس عمادالدين (۱۴۱۱ق)، زهر المعانی، تحقیق: مصطفى غالب، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات.
۶۱. (۱۴۰۴ق)، عیون الأخبار و فنون الآثار، تحقیق: مصطفى غالب، بیروت: دارالاندلس، دوم.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، سوم.
۶۳. کرمانی، احمد حمیدالدين (۱۴۰۷ق)، مجموعه رسائل الكرمانی، تحقیق: مصطفى غالب، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات، دوم.
۶۴. (بی تا)، کتاب الرياض، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دارالثقافة.
۶۵. (۱۴۱۶ق)، المصاییح فی اثبات الامامة، تحقیق: مصطفى غالب، بیروت: دارالمنتظر.
۶۶. (۱۴۲۷ق)، راحة العقل، بیروت: الاعلامی.

۶۷. (۱۹۶۷م)، راحة القلب، تحقیق: مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
۶۸. کشی، ابو عمرو محمد (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد.
۶۹. کلم، ورنه (۱۳۸۳ش)، خاطرات یک مأموریت سیره دانشمند، سیاست‌مدار و شاعر اسماعیلی مؤید الدین شیرازی، مترجم: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
۷۰. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم.
۷۱. لوئیس، برنارد (۱۳۶۳)، «پیدایش اسماعیلیه»، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ شده در: اسماعیلیان در تاریخ، تهران: مولى.
۷۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۷۳. مرتضی زبیدی، محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.
۷۴. ملطی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، التنبيه و الرد على أهل الأهواء و البدع، تحقیق: محمد زینهم، قاهره: مدبولی.
۷۵. مهریزی، مهدی، ۱۳۸۰ش، میراث حدیث شیعه، قم: دارالحديث.
۷۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: جماعة المدرسين، ششم.
۷۷. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، فرق الشيعة، بیروت: دارالأضواء، دوم.
۷۸. همدانی، سمیه (۱۳۸۷)، بین انقلاب و دولت مسیر تشکیل دولت فاطمی قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
۷۹. www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir، درس خارج فقه استاد سیدجواد شبیری.